



خلاصه قواعد زبان انگلیسی

این مجموعه به صورت صرفه ای توسط محمد زینالی طی یک سال کنکور خلاصه شده است. به امید اینکه تمامی دانش پژوهان بهره کافی از این مجموعه داشته باشند.

تیرماه 1390



گرامر زبان سال سوم

درس اول : زمان آینده ساده با ساخت to be going to

برای نشان دادن عملی که در آینده ای نزدیک انجام میشود بکار می رود و با قصد داشتن معنی میشود

فرمول : فعل + am\is\are going to + فاعل
مثال : He is going to read book.
معنا : او قصد دارد (میخواهد) کتاب بخواند

عبارات اسمی Noun clause

این عبارات به صورت خبری هستند و اگر بر سر یک جمله خبری « فعل + فاعل » یکی از حروف ربط بیایند جمله اسمی ساخته میشود.

حروف ربط : who-whom-where-when-what-why-whose-which-how

فرمول : فعل + فاعل + کلمه پرسشی \ that + know + فاعل
مثال : I don't know who he is.
معنا : به خاطر نمیآورم او چه کسی است.

☞ **نکته :** اگر در تست ها دیدیم که در وسط جمله حروف ربط آمده، بعد از آنها اصلاً افعال کمکی نمیاید.

درس دوم : کاربرد های اسم مصدر (فعل ing دار)

باید بدانیم که در سه حالت فعل به صورت ing دار میاید :
 1- بعد از افعال کمکی

avoid- finish-imagine-mind-miss-risk-enjoy-hate-love-stop-keep-like and ...

**فرمول :****فعل ing دار + فعل**

I hate working hard

مثال :

معنا : من از سخت کار کردن متنفرم.

2- بعد از حروف اضافه With-by-in-for-at-about-from-between-without-against

فرمول :**فعل ing دار +حروف اضافه**

I am interested in reading

مثال :

معنا : من به خواندن علاقه مندم.

3- به عنوان فاعل در ابتدای جمله

مثال :

walking is good for your health

معنا : پیاده روی برای سلامتی شما خوب است.

***نکته** : بعد از افعال کمکی فعل بدون مصدر با to میآید.**درس سوم : افعال دو کلمه ای**

1- افعال جدا شدنی

Put on-turn on-turn off-turn up-turn down-give back-give up-wake up-take off-call up-look up

***نکته** : اغلب افعالی که حرف اضافه آنها on-off – up می باشد جدا شدنی هستند.

I took my coat off

مثال :

معنا : من کتتم را در آوردم

2- افعال جدا نشدنی

Wait for- insist on-listen to-tired of- afraid of-thank for-sorry about- look after-speak with-
concerned with and...***نکته** : اغلب افعالی که حرف اضافه آنها of- for-with می باشد جدا نشدنی هستند.**درس چهارم: کاربرد مصدر با to**

بعد از افعال زیر مصدر با to میآید.

Advise-agree-forget-prefer-plan-permit-allow-ask-decide-force-expect-hope-like-order-would like-
wish-try-tell-promise-want- and ...**فرمول :****شکل ساده فعل + to + فعل**He decide to swim

مثال :

معنا : او تصمیم گرفته است تا شنا کند.



I advised him to exercise every day. مثال :

معنا : به او نصیحت کردم هر روز ورزش کند.

نکته : بعد از صفت مصدر با to میاید.

فرمول : مصدر با to + (ضمایر مفعولی + for) + صفت + to be + It

It is hard for me to read the book مثال :

معنا : برای من سخت است تا کتاب بخوانم.

نکته : بعد از دو فعل tell و Say مصدر با to میاید با این تفاوت که بعد از tell ابتدا مفعول میاید اما بعد از فعل

say ابتدا حرف to و سپس مفعول میاید.

I said to him to come مثال 1:

معنا : من به او گفتم که بیاید.

I told him to him to come مثال 2:

معنا : من به او گفتم که بیاید.

درس پنجم : وجه وصفی فاعلی و مفعولی

برای انسان ها از صفاتی بکار میرود که در آخر آنها ed وجود دارد و برای حیوانات و اشیاء (غیر از انسان) از صفاتی بکار میرود که در آخر آنها ing هست.

Ali is excited because the film is exciting. مثال :

معنا : علی هیجان زده شده زیرا فیلم هیجان کننده است.

افعال ربطی

افعالی که بعد از آنها صفت بکار میرود:

Appear-feel-go-sound-smell-look-get-become-to be-remain-seem-grow-taste

The soup on the table tastes good. مثال :

معنا : سوپی که روی میز است طعم خوبی میدهد.

ترتیب صفات قبل از اسم

اسم + جنس + ملیت + رنگ + سن + اندازه + کیفیت + حرف تعریف
a\an\the + nice + large + young + gray + Iranian + cotton + bag

Mary always likes to drive an old little red car. مثال :



درس ششم : جملات مجهول

- نکته 1 : افعال کمکی can-will-may-must-should در مجهول be بکار میرود.
 نکته 2 : افعال have-has-had در مجهول been بکار میرود.
 نکته 3 : در مجهول اصلا نمیتوانیم فعل ing داشته باشیم.

to be + pp

فرمول :

زمان	To be + p.p	ترجمه فارسی
حال ساده	Am\is\are\ + p.p	میشوم
حال استمراری	Am\is\are + being + p.p	دارم میشوم
حال کامل	Have\has + been+p.p	شده ام
گذشته ساده	Was\were + p.p	شدم
گذشته استمراری	Was\were+being+p.p	داشتم میشدم
گذشته کامل	Had+been+p.p	شده بودم
آینده	Will + be + p.p	خواهم شد

The letter is written by a careless writer.

مثال :

معنا : نامه توسط یک نویسنده بی دقت نوشته میشود.

The letter was written by a careless writer.

مثال :

معنا : نامه توسط یک نویسنده بی دقت نوشته شد.



گرامر زبان پیش دانشگاهی

درس اول:

1- ربط دهنده های زمان

در عبارتهای بیان کننده زمان از **when** برای بیان دو عمل متوالی (یکی بعد از دیگری) و به معنای «وقتی که»

مثال: **when** I get home, I first do my homework.

معنا: وقتی که من به خانه رسیدم (عمل اول). من تکلیفم رو انجام دادم (عمل دوم).

نکته: **When** در جمله ای بکار میرود که زمان جمله ساده باشد و بعد از آن جمله استمراری میاید.

در عبارتهای بیان کننده از زمان **As** برای بیان دو عمل وقوع همزمان

مثال: **As** he was talking to me, his brother com in.

معنا: وقتی که او داشت با من حرف میزد برادرش وارد شد.

نکته: **As** در جمله ای کاربرد دارد که زمان جمله استمراری باشد و بعد از آن جمله ساده باشد.

و معادل با **while** می باشد.

2- ربط دهنده های دلیل

در این ربط دهنده ها میتوان هر سه مورد **As-since-because** به جای هم استفاده کرد. و به معنای « چون »

مثال: **As\since\because** I don't have money, I can't buy a car .

معنا: چون پول ندارم نمیتوانم ماشین بخرم.

نکته: باید توجه داشته باشیم که بعد از **because of** به معنای « به خاطر » میباشد جمله بکار نمیرود بلکه یک

عبارت اسمی یا اسم مصدر بکار میرود.

3- ربط دهنده شرط

ربط دهنده **whether or** برای نشان دادن شرط بکار میرود و به معنی « خواه...یا... »

مثال: I am going to swim **whether** it is cold **or** hot.

معنا: قصد دارم شنا کنم خواه هوا سرد باشد یا گرم.



درس سوم : تبدیل جمله واژه وصفی به عبارت وصفی

روش اول:

در جملات مجهول میتوان ضمائر موصولی را به همراه فعل to be حذف کرد و فقط «قسمت سوم فعل» را آورد.

The boy **who was injured** in the accident was taken to hospital . مثال :

The boy **injured** in the accident was taken to hospital.

معنا : پسری که در تصادف زخمی شد به بیمارستان برده شد.

روش دوم:

در جملات معلوم میتوان ضمائر موصولی را حذف کرده و بجای آن به فعل جمله ing اضافه کرد.

People **who live** in this area can enjoy the fresh air. مثال :

People **living** in this area can enjoy the fresh air.

معنا : مردمی که در این منطقه زندگی میکنند میتوانند از هوای تازه لذت ببرند.

❖ نکته : اگر در تستها بعد از نقطه چین کلمه by بیاید این جمله مجهول است و جواب، شکل سوم فعل است.

درس چهارم : کاربرد enough-too-such-so

enough به معنای « کافی »

فرمول :

enough + اسم + to

enough + to + صفت یا قید

I have **enough time** to finish my work. مثال :

معنا : من به اندازه ی کافی وقت دارم که کارم را تمام کنم.

The problem was **easy enough** (for me) to solve. مثال :

معنا : مسئله به اندازه ی کافی برای حل کردن (برای من) آسان بود.

too به معنای « خیلی ، بیش از حد »

فرمول :

مصدر با to + قید/صفت + too

The box was **too heavy** for me to lift. مثال :

معنا : بلند کردن جعبه برای من خیلی سنگین بود.



such به معنای « این چنین، چنین »

فرمول : فعل + فاعل + that + اسم + صفت + such(a\an)

مثال : It was **such nice weather** .

معنا : چنین هوای خوبی بود.

so به معنای « خیلی، آنقدر »

فرمول : فعل + فاعل + that + قید/صفت + so

مثال : It was **so cold that** we stayed at home.

معنا: هوا خیلی سرد بود که ما در خانه ماندیم.

نکته : قبل از صفات much-many-little-few نمی توانیم از such استفاده کنیم و بجای such از so بکار

میبریم.

فرمول : فعل + فاعل + that + اسم + { Many-few / Much-little } + so + فعل + فاعل

درس پنجم : تضاد آشکار

برای بیان تضاد در جمله می توان از ربط دهنده های زیر استفاده کرد و همه آنها به معنی اما یا در حالیکه میباشد بنابراین لازم است کلماتی که باهم تضاد دارند را یاد بگیریم.

While-whereas-but

مثال : **while** Ali is a coward, Ahmad is brave.

معنا: در حالیکه علی یک آدم ترسو است. احمد یک آدم شجاع است.

مثال : some of the studies show good results, **whereas** others do not.

معنا: برخی مطالعات نتایج خوبی نشان میدهند در حالیکه (اما) برخی اینطور نیستند.

درس ششم : بیان هدف

ربط دهنده های بیان هدف بیانگر قصد انجام کاری میباشد و معنای که - به منظور اینکه و ... میدهند.

In order that-so that-in order to-so as to-to

نکته : بعد از to-in order to-so as to فعل ساده بکار میرود. اما بعد از so that-in order that جمله وارهِ پیرو

بکار میرود و نیز اصلاً در ابتدای جمله نمی آیند.

فرمول : فعل + to \ in order to \ so as to

جمله وارهِ پیرو + so that \ in order that + جمله وارهِ پایه



مثال : I study hard **to\so as to\in order to** pass.

معنا: سخت درس میخوانم که قبول شوم.

مثال : I study hard **so that\in order that** I can pass.

معنا: سخت درس میخوانم به منظور اینکه قبول شوم.

درس هفتم : تضاد غیر منتظره

رابط دهنده های تضاد غیر منتظره، زمانی بکار میرود که تضاد آشکار در دو جمله دیده نشود و معمولاً در جملات تعجب آور دیده میشود و معنای اگر چه میباشد.
Although-though-even though

نکته : وقتی در جمله واژه ای پیرو قیدی از while یا whereas استفاده میکنیم دقیقاً مغایرت مستقیم را بیان میکنیم ولی چنانچه از though although یا even though در جمله واژه های پیرو استفاده کنیم مفهومی غیر منتظره و تعجب آور را انتظار داریم.

مثال : **Although** it was very cold, I went swimming.

معنا: اگرچه هوا خیلی سرد بود، من به شنا رفتم.

مثال : **while** Ali is a good student, his sister is lazy.

معنا: بر عکس علی که دانش آموز خوبی است، خواهرش تنبل است.

نکته : بعد از unless (مگر اینکه) فعل باید مثبت باشد.

درس هشتم : افعال کمکی

1- کاربرد should

مفهوم این ساختار آن است که نباید کاری که در گذشته انجام میداد ولی انجام داد.

فرمول : **should + have + p.p**

مثال : Your friend **should have taken** a taxi, but he didn't.

معنا: دوست تو باید تاکسی می گرفت ولی نگرفت.

2- کاربرد may یا might

این ساختار، احتمال یا امکان انجام کاری را در گذشته بیان میکند.

فرمول : **may/might + have + p.p**

